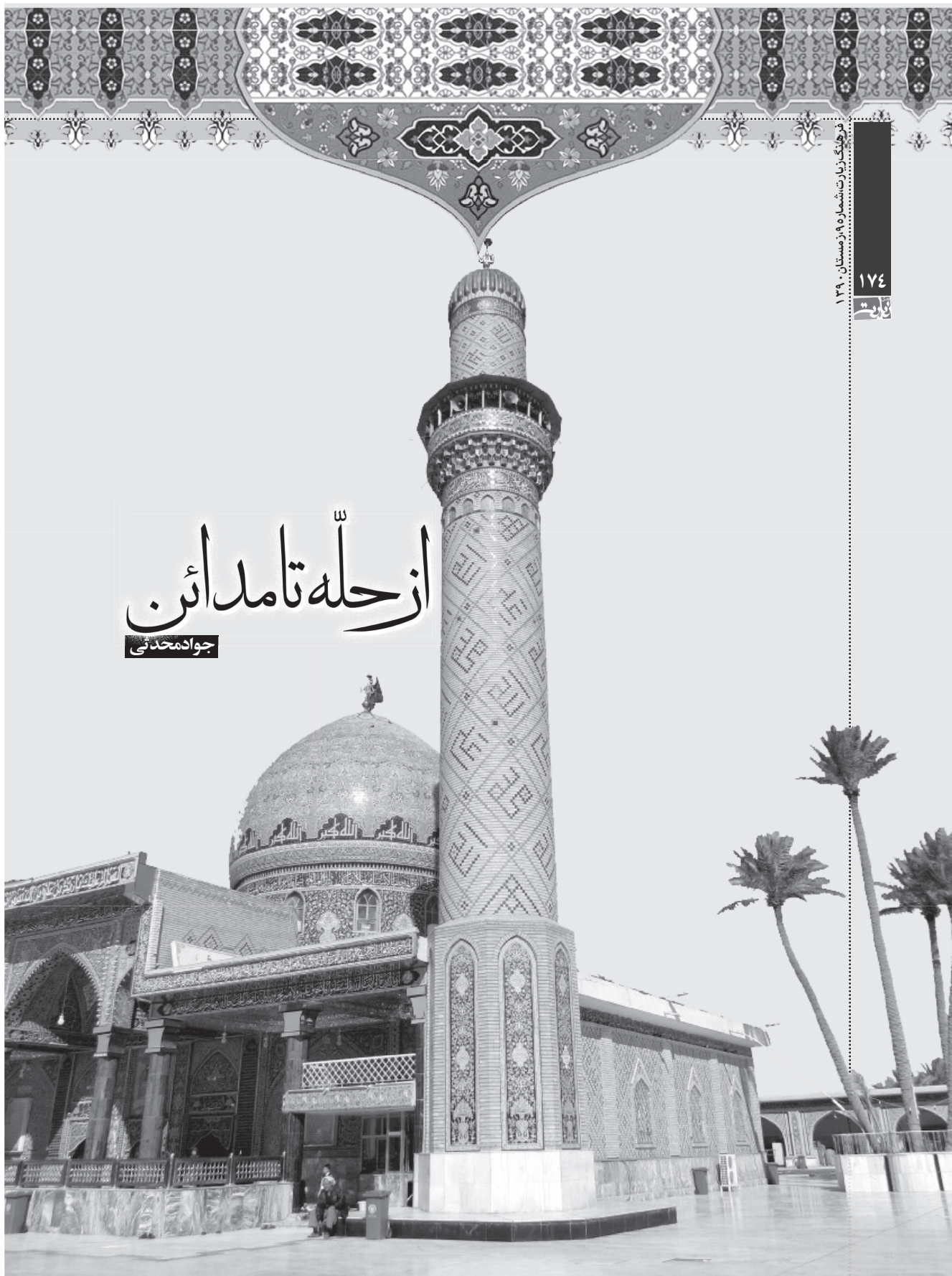




از حله تا مدائن

جواد محدثی

فرهنگ زیارت‌شمار ۹۵ زمستان ۱۳۹۰

۱۷۴

۲۲

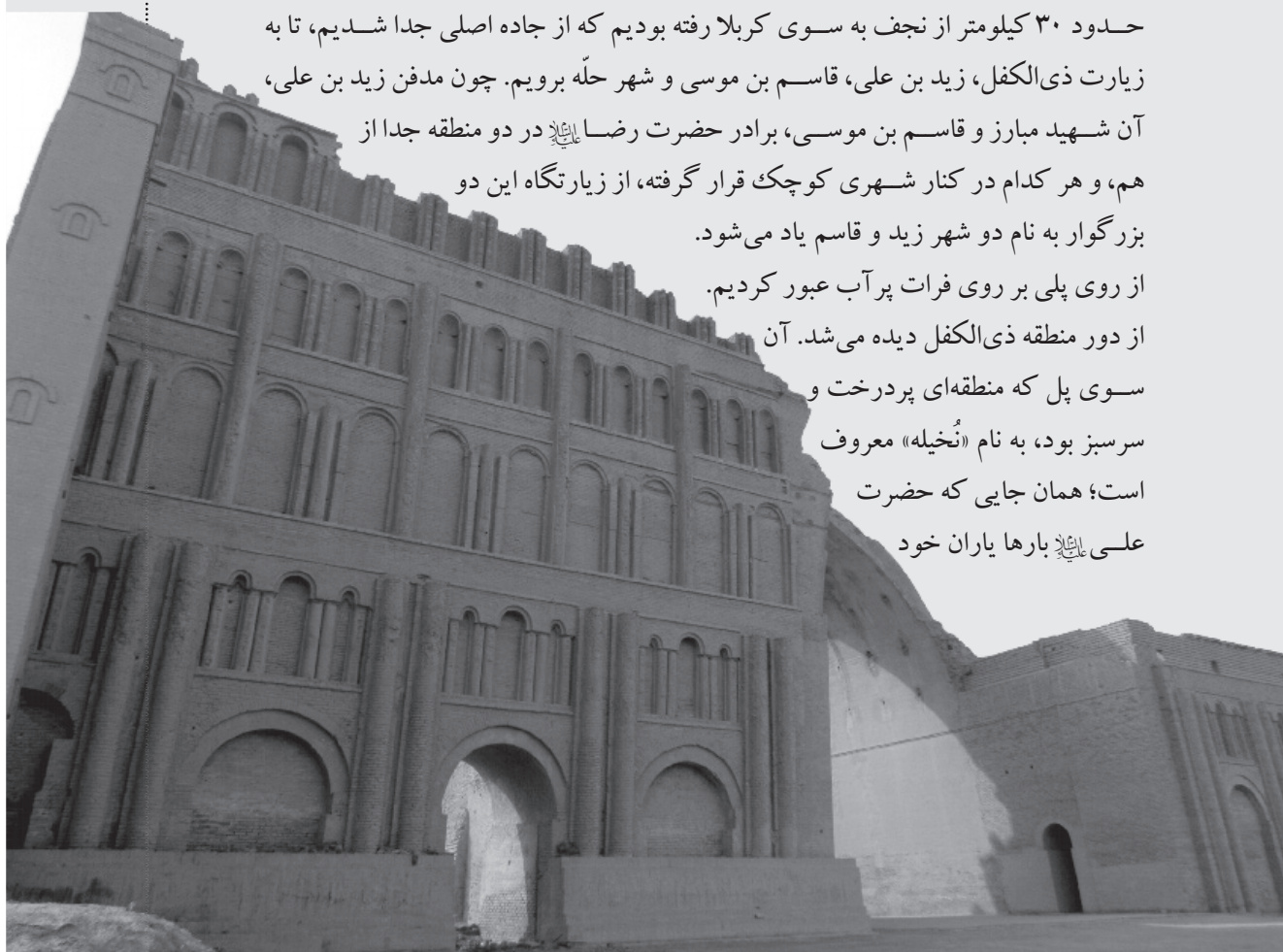
توضیح

آنچه می‌خوانید، گزارشی کوتاه از یک سفر علمی - پژوهشی است که به همراه تنی چند از نویسندگان فصلنامه «فرهنگ زیارت» در اسفند سال ۱۳۹۰ به عتبات انجام گرفت و با انگیزه آشنایی بیشتر با اماکن، مراکز، حوزه‌های علمیه، شخصیت‌های علمی، قبور مطهر علما و جاهای دیدنی این سرزمین بود.

گروه اعزامی، دو روز در نجف ماند و سپس عازم کربلا شد. در راه رفتن به کربلا، بازدید از شهر تاریخی حله داشت و در ایام اقامت در کربلا نیز، با گذر از کاظمین، سفری نیز به مدائن داشت. با هم، این مقطع از سفر علمی - زیارتی را مرور می‌کنیم:

در راه حله

حدود ۳۰ کیلومتر از نجف به سوی کربلا رفته بودیم که از جاده اصلی جدا شدیم، تا به زیارت ذی‌الکفل، زید بن علی، قاسم بن موسی و شهر حله برویم. چون مدفن زید بن علی، آن شهید مبارز و قاسم بن موسی، برادر حضرت رضا (ع) در دو منطقه جدا از هم، و هر کدام در کنار شهری کوچک قرار گرفته، از زیارتگاه این دو بزرگوار به نام دو شهر زید و قاسم یاد می‌شود. از روی پلی بر روی فرات پر آب عبور کردیم. از دور منطقه ذی‌الکفل دیده می‌شد. آن سوی پل که منطقه‌ای پردرخت و سرسبز بود، به نام «نُخَیله» معروف است؛ همان جایی که حضرت علی (ع) بارها یاران خود



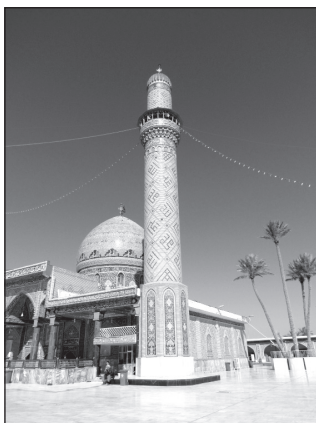
را در آن منطقه جمع کرد تا با مخالفان که هواداران بنی‌امیه بودند نبرد کند. این منطقه قرارگاه مناسبی برای تجمع نیروها و اعزام به جبهه نبرد بود. پس از شهادت آن حضرت، در زمان امام حسن مجتبی (علیه السلام) هم نام نخيله به عنوان قرارگاه نیروهای آن حضرت نام برده شده است. در قیام مختار ثقفی و نبرد با نیروهای ابن زیاد، باز هم نام این منطقه مطرح است. یکی از آثار باستانی نیمه‌ویران منطقه، مسجد نخيله است که البته ما فرصت دیدار از آن را نداشتیم و چون عازم حله بودیم به نگاهی از دور بسنده کردیم.

مرقد زید بن علی (علیه السلام)

در ادامه راه به مرقد زید بن علی (علیه السلام) رسیدیم؛ فرزند انقلابی و مبارز امام سجاد (علیه السلام) که برضد امویان قیام کرد و به شهادت رسید. قیام او در سال ۱۲۰ هجری شکست خورد و شهید گشت. یارانش جنازه او را در نهر آبی دفن کرده و آب روی آن جاری ساختند تا به دست دشمنان نیفتد؛ اما حاکم عراق قبر را شکافت و جسد را بیرون آورد و بر دار زد. می‌گویند مدت‌ها جنازه برفراز دار بود؛ سپس آن را سوزانده و خاکسترش را بر باد دادند.

در واقع، در حرم زید بن علی (علیه السلام) جسدی مدفون نیست؛ اما در همان جای به دار کشیده شدنش در کنار شط، برایش مقامی ساختند تا این اثر نمادین، یاد حماسه‌های او را زنده نگه دارد. صحن زیبا و دل‌گشا و تمیز و حریمی آراسته و بامعنویت داشت، با گنبد و گلدسته‌ها و خدام و زوآر. زمین و دشت اطراف، باران خورده و خیس بود. کاروانی از زوار شیعه افغانی و هندی را دیدیم که از اتوبوس‌ها پیاده شده به سوی حرم می‌رفتند. در حرم هم زائرانی غیرایرانی را دیدم. معمولاً زوار ایرانی به این جا نمی‌آیند و در برنامه زیارتی کاروان‌های ما نیست؛ شاید به دلیل دوری و سختی راه و کمبود امکانات در آن منطقه، به اضافه عدم تأمین امنیت.

برای ورود به این نقطه و ورود به حرم زید، مثل همه بقاع متبرکه این سامان، نیروهای امنیتی و انتظامی، کنترل و تفتیش داشتند. آرزو کردم کاش زمانی برسد که این مانع‌ها و پست‌های بازرسی برداشته شود و زوار در امنیت کامل و بدون هیچ تهدید تروریستی و بمب‌گذاری، همه حرم‌ها و زیارتگاه‌های این دیار را با آسودگی و فراغت بال زیارت کنند. البته هیأت ما را که شامل چهار روحانی بود، احترام کردند. پای ضریح زید، یک افغانی را دیدم که فرزند



بیمار و فلج خود را به ضریح بست و خودش کناری به نماز و دعا پرداخت و برای شفای او به آن امام‌زاده بزرگوار متوسل شد.

مزار ابویعلی

از آن‌جا به زیارت حضرت حمزه بن قاسم، از نوادگان حضرت ابوالفضل (علیه السلام) رفتیم که به «ابویعلی» معروف است. از علمای بزرگ و راویان معتبر که هم‌عصر با مرحوم کلینی بوده و تا سال ۳۳۹ هجری می‌زیسته است. بر دیوار حرم، روی کاشی‌ها زندگی‌نامه او و منابع شرح حالش نقش شده بود؛ از جمله کتاب «الصفوة المثلی فی تاریخ ابویعلی» نام برده شده که مجموعه آثار و اخبار و تاریخ مربوط به او در آن آمده است. او را «حمزه الغریبی» هم می‌گویند و منطقه یاد شده به «مزیدیه» هم مشهور است و به «مدحتیه» نیز یاد می‌شد؛ زیرا در زمان مدحت پاشا از سلاطین عثمانی ساخته و آباد شده است.



در واقع، در حرم زید بن علی (علیه السلام) جسدی مدفون نیست؛ اما در همان جای به دار کشیده شدنش در کنار شط، برایش مقامی ساختند تا این اثر نمادین، یادحماسه‌های او را زنده نگه دارد. صحن زیبا و دل‌گشا و تمیز و حرمی آراسته و بامعنویت داشت، با گنبد و گلدسته‌ها و خدام و زوار. زمین و دشت اطراف، باران خورده و خیس بود.

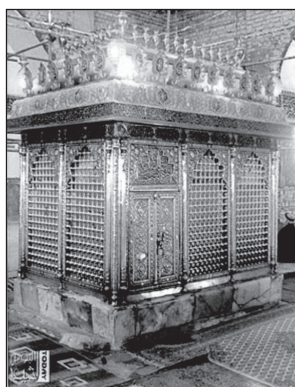
حرم او نسبتاً بزرگ و مفصل بود. روی قبرش در داخل ضریح، سنگی از مرمر بود که به شکل قالب کَره‌ای درون محفظه‌ای شیشه‌ای قرار داشت و جای دست و انگشت‌هایی روی آن دیده می‌شد که درباره آن کرامتی از صاحب قبر برای یک زن مؤمن که به ایشان توسل کرده بوده، نقل می‌کردند که کره‌اهدایی او به سنگ مرمر تبدیل شده است.

فرصتی دست داد تا با مدیر و تولیت این آستان، در دفتر او دیدار کردیم و مقداری از ویژگی‌های جناب حمزه (ابویعلی) و مشخصات حرمش و آمار ساکنان شهر که معروف به «شهر حمزه» است، سخن گفت. با اشتیاق

از کتابخانه‌ای در دست تأسیس و کتاب‌هایی که بعضی‌ها وعده داده‌اند از قم برای آن‌جا بفرستند (حدود ۲۰ هزار جلد) می‌گفت و این نشان می‌داد که مسئولین حرم، به توسعه کتابخانه و افزایش فعالیت‌های فرهنگی در آن منطقه علاقه‌مندند و این بارقه امیدی برای آینده است. پس از صرف چای و آب خنک در دفتر حرم، از آنان خداحافظی کردیم.

حرم قاسم بن موسی علیه السلام

در میان قبور امامزادگان این خطّه، شاید تنها امامزاده‌ای باشد که گنبد طلایی دارد. قاسم بن



موسی الکاظم علیه السلام برادر حضرت رضا و حضرت معصومه علیهما السلام که پس از شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از بغداد به این منطقه آمد و در میان عشایر آن‌جا می‌زیست تا از دنیا رفت. در فضیلت او روایت‌هایی نقل شده است. شنیده شده که حضرت امام خمینی (ره) از بین زیارتگاه‌های این منطقه، به زیارت قبر ایشان رفته است و این نشان از جایگاه والا و معتبر او دارد.

ضریحی کوچک و طلایی داشت؛ با زواری خوب و باصفا و ایوان و صحنی دلپذیر. نماز ظهر و عصر را در حرم او خواندیم. این شهر به اعتبار این امامزاده به نام «قاسم» معروف است. از حرم بیرون آمدیم. خیابان منتهی به حرم، ما را به یاد خیابان‌های اطراف حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام می‌انداخت. پیرمردی بساط چایی در پیاده‌رو پهن کرده بود و با اصرار او مهمان یک استکان چای غلیظ عربی با شکر شدیم. البته وضع بهداشتی آن نامطلوب بود، ولی به احترام صفای او و به عشق اهل بیت علیهم‌السلام، سرپایی چای را خورده و پولی هم دادیم و سوار ماشین شده، به سمت حله حرکت کردیم. از متولیان حرم جزوهای کوچک در معرفی و شرح حال «الامام القاسم بن موسی بن جعفر» به دستمان رسید که جلالت شأن او و زوایایی از زندگی ایشان را بیان می‌کرد.

حله، دیار عالمان بزرگ

حله، شهری کهن و مشهور است و عالمان بسیاری که لقب «حلی» دارند به این‌جا منسوبند و مایه افتخار شیعه به شمار می‌آیند.



در این شهر، مزار امام زادگانی چند نیز وجود دارد؛ مثل ابوبکر فرزند امیر مؤمنان؛ محمد بن قاسم و برادرزاده اش علی، از نوادگان حضرت ابوالفضل (ع)؛ هارون فرزند امام کاظم (ع)؛ عبدالله محض، نوه امام مجتبی (ع)؛ عبدالله بن حسن مکفوف؛ حسن الأسمر از نوادگان زید شهید و قبر رشید هجری و بسیاری دیگر که در مورد بعضی‌ها اختلاف است.

قصد عمده ما دیدار قبور علمای شیعه در این شهر بود. عصر هنگام به حله رسیدیم. اولین جایی که دیدار کردیم، قبر سید بن طاووس، از علمای شیعه و صاحب تألیفات بسیار، به‌ویژه در ادعیه و زیارات بود. نسب وی با چند واسطه به حسن متنی می‌رسد. وفاتش در سال ۶۴۴ هجری بوده است. کتاب «لهوف» او را که از مشهورترین مقاتل است، همه می‌شناسند. حله، شهری شلوغ و پرجمعیت و پرجنب و جوش بود و آثار نشاط و کار مردم به چشم می‌آمد. قبر سید بن طاووس در وسط حله و در منطقه باب المشهد یا جامعین بود؛ زیرا در دو مسجد آن حوالی وجود داشت.

به زیارت قبر ابن ادریس (متوفای ۵۹۸ ه) صاحب کتاب معروف «سرائر» رفتیم. نقش ابن ادریس در احیای فقه شیعه و ارائه نظریه‌های محققانه مورد توجه علما قرار دارد. گفتند قبر «شیخ عبدالعزيز السّرای» هم در همین محدوده است؛ کسی که در جنگ نهروان پرچمدار امام علی (ع) بود و در این منطقه دفن شد.

از جاهای دیدنی دیگر حله «مقام امام صادق (ع)» بود. با

اولین جایی که دیدار کردیم، قبر سید بن طاووس، از علمای شیعه و صاحب تألیفات بسیار، به‌ویژه در ادعیه و زیارات بود. نسب وی با چند واسطه به حسن متنی می‌رسد. وفاتش در سال ۶۴۴ هجری بوده است. کتاب «لهوف» او را که از مشهورترین مقاتل است، همه می‌شناسند. حله، شهری شلوغ و پرجمعیت و پرجنب و جوش بود و آثار نشاط و کار مردم به چشم می‌آمد. قبر سید بن طاووس در وسط حله و در منطقه باب المشهد یا جامعین بود؛ زیرا در دو مسجد آن حوالی وجود داشت.

پرس و جو به انتهای خیابانی رسیدیم که تابلویی ما را به آن مقام راهنمایی می‌کرد. کسانی که در آن مقام خدمت می‌کردند، محلی نسبتاً کوچکی را در کنار رود فرات نشان دادند که اطرافش چند درخت بود؛ می‌گفتند قبلاً این جا قبه و حیاط داشته و تخریب شده است و الآن کمی آن طرف‌تر و دور از شط در حال ساختن مکان جدیدند. بر دیوار ورودی آن جا عکسی بود که وضع قبلی و قبه آن را نشان می‌داد. تصویر صفحاتی از برخی کتب قدیم مثل مناقب ابن شهر آشوب، تبصرة الولی و سفينة البحار و... را هم کپی گرفته و بر دیوار نصب کرده بودند که مستند این ادعا به شمار می‌رفت که امام صادق (علیه السلام) به این جا می‌آمده و برای علمای حله درس و حدیث می‌گفته است.

آن سوی رودخانه، تأسیسات و مجموعه‌ای از ساختمان و محوطه نظامی به چشم می‌خورد که راهنمای ما گفت: قبلاً آمریکایی‌ها در آن جا مستقر بودند و چندی پیش تخلیه کرده و رفته‌اند. از این گونه اماکن که تا چندی پیش محل استقرار نظامیان آمریکایی اشغالگر عراق بوده، در چند جای دیگر هم نشانمان دادند.

مرقد دیگری که زیارت کردیم، در خیابان ابی القاسم بود. نام «شارع ابی القاسم» بیشتر به سبب شهرت محقق حلی است که بر این خیابان نهاده شده است؛ فقیه بلند آوازه شیعه که نام کاملش «نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید حلی» (۶۰۲-۶۷۶ هـ) و کتاب معروف فقهی او «شرايع» مشهورتر از آن است که نیاز به معرفی داشته باشد. مرقدی که زیارت کردیم، بنای ساختمان جدید را حدود ۶۰ سال پیش در ۱۳۷۵ قمری ثبت کرده بود. این منطقه و خیابان را «جباوین» هم می‌گفتند. تقریباً سراسر این خیابان که به مرقد او منتهی می‌شد، مغازه‌ها و کارگاه‌های چوب‌بری و مبل و کمد و صنایع چوبی و دکور و درودگری بود. در را باز کردند و داخل حیاط و محوطه مرقد شدیم و فاتحه خواندیم. در نظر داشتند که بنای آن را که بسیار کهنه و فرسوده بود و از بیرون نمای غریبانه‌ای داشت، بازسازی کنند. در این شهر احساس آشنایی داشتیم. مزارات علمای دیگری هم بود که مجال دیدار نبود. می‌خواستیم قبل از غروب آفتاب به کربلا برسیم؛ پس به ناچار از زیارت برخی اماکن چشم پوشیدیم. شهر حله برای مان خاطره‌انگیز بود. شهری که در استان بابل عراق قرار دارد و خاطره باغ‌های معلق بابل و سوابق تاریخی حله تداعی می‌شود و علمایی که از این

شهر برخاسته‌اند و مایه روتق حوزه علمیه آن در گذشته بوده‌اند. در سخنان حضرت علی علیه السلام نیز وصف این شهر و مردم پاک‌سرشت آن آمده است؛ آن‌جا که با اصبع بن نباته گفت‌وگو می‌کرد (روضات الجنات، ۲: ۲۷۰).

شب به کربلا رسیدیم. در نظر داشتیم که پس از یکی دو روز، سفری هم به مدائن، شهر سلمان فارسی و ایوان مدائن که همچنان آئینه عبرت است، داشته باشیم.

مدائن، شهر سلمان

بازدید از مدائن، شهر سلمان فارسی و مدفن او و جایی که «طاق کسرا» در آن است، از دیرباز در ذهنمان بود. برای امروز، برنامه‌ریزی کرده بودیم که از این شهر تاریخی دیدار کنیم. از کربلا تا بغداد حدود دو ساعت طول کشید.

برای رفتن به مدائن، باید از بغداد می‌گذشتیم و نمی‌شد به زیارت حرم کاظمین علیه السلام نرفت. از راننده خواستیم که ساعتی در کاظمین توقف کند تا زیارت کنیم. در حرم امام کاظم و امام جواد علیه السلام قبر مرحوم شیخ مفید و قبور چند تن از علمای خاندان صدر را هم زیارت کردیم. مرقد سید رضی و سید مرتضی هم نزدیک حرم بود. فاتحه خوانده و بر سر قراری که با راننده داشتیم، باز گشتیم.

راه طولانی و خسته‌کننده بود و تفتیش‌های مکرر حرکت را کند می‌کرد. در ادامه مسیر در یک راه‌بندان بسیار سنگین گرفتار شدیم؛ ناچار وارد جاده خاکی شدیم، اما باز هم به بن‌بست برخوردیم. گرد و غبار ماشین‌ها و جاده خاکی، ازدحام، معطلی و حتی ناامنی، کمی تردید ایجاد

از جاهای دیدنی دیگر حله «مقام امام صادق علیه السلام» بود. با پرس‌وجو به انتهای خیابانی رسیدیم که تابلویی ما را به آن مقام راهنمایی می‌کرد. کسانی که در آن مقام خدمت می‌کردند، محلی نسبتاً کوچک را در کنار رود فرات نشان دادند که اطرافش چند درخت بود؛ می‌گفتند قبلاً این‌جا قبه و حیاط داشته و تخریب شده است و الآن کمی آن طرف‌تر و دور از شط در حال ساختن مکان جدیدند.

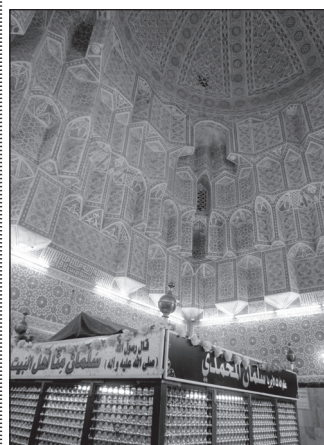
نام «شارع ابی القاسم» بیشتر به سبب شهرت محقق حلی است که بر این خیابان نهاده شده است؛ فقیه بلندآوازه شیعه که نام کاملش «نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید حلی» (۶۰۲ - ۶۷۶ هـ) و کتاب معروف فقهی او «شرایع» مشهورتر از آن است که نیاز به معرفی داشته باشد. مرقدی که زیارت کردیم، بنای ساختمان جدید را حدود ۶۰ سال پیش در ۱۳۷۵ قمری ثبت کرده بود.

کرد. راننده از کسی پرسید چه خبر است؟ گفت: عبوه (انفجار). بالاخره از این محدوده گذشتیم و به راه اصلی و آسفالت افتادیم. بعد از گذشتن از چند شهر کوچک، به مدائن رسیدیم. مدائن شهری باستانی است. جایی که سلمان فارسی از سوی امام علی (ع) به استانداری آنجا تعیین شد و با وضعی ساده و سوار بر مرکبی ساده، راه طولانی مدینه تا مدائن را پیمود. هیئت و شمایل و سادگی او چنان بود که بعضی باور نمی کردند این پیرمرد، استاندار مدائن باشد.

مزار حضرت سلمان

با همکاری مسؤولان وارد محدوده توسعه حرم سلمان فارسی شدیم. از چندی پیش با توسعه صحن، زمینه برای پذیرش زوار بیشتری فراهم شده است؛ البته هنوز طرح تکمیل نشده و مشغول کارند. تجدید وضویی کردیم و در مسجد آنجا دو رکعت نماز خواندیم و سپس به زیارت قبر سلمان مشرف شدیم. تولیت حرم و معاون او و بعضی دیگر از دست‌اندکاران از ما به گرمی استقبال کردند. گویا چندی پیش هم نماینده مقام معظم رهبری در حج و زیارت، همچنین نایب التولیه حرم حضرت معصومه (ع) از این‌جا بازدید کرده‌اند. ابراز علاقه و محبت مسئولین، حکایت از علاقه آنان به این‌گونه رفت‌وآمدها و ارتباطات بود.

ساختمان مرقدهایی که زیارت کردیم از آجر بود و چهار گنبد آجری آمیخته به کاشی نیز دیده می‌شد. ابتدا قبر مطهر سلمان را زیارت کردیم که ضریحی کوچک داشت و با خط درشت، عنوان «صحابی سلمان المحمدی» به چشم می‌خورد. در بخش دیگر، ضریح و قبر «حذیفه بن یمان» صحابی بزرگوار پیامبر (ص) بود. کمی آن طرف‌تر، دو قبر در یک ضریح، متعلق به «عبدالله بن جابر





بن عبدالله انصاری» و «طاهر بن محمد باقر بن علی بن الحسین (علیه السلام)» قرار داشت. قبر این دو شخصیت بعدها به این مکان منتقل شده است. طبق متنی که بر دیوار داخل یک قاب نصب شده بود، به سبب بالا آمدن آب دجله، قبر این دو بزرگوار در معرض خطر و آسیب بوده است. با موافقت و اشراف مرحوم آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی و طی مراسمی با حضور سید محمدصدر (رئیس مجلس اعیان) و شیخ جعفر ابوالتمن و محمدرضا شیبی و جمعی از علمای حوزه نجف و دولتمردان، در سال ۱۳۵۰ قمری (حدود ۸۳ سال پیش) پیکر این دو نفر را به این جا انتقال دادند. بر دیوار، عکسی بود که مراسم انتقال اجساد را در حضور جمعیتی نشان می داد.

مرقد حضرت سلمان بزرگ‌تر و وسیع‌تر از آن دو بود. گچ‌بری‌های دیوار و سقف زیر گنبد سلمان که به سبک معماری مغرب (مراکش) بود، به سال ۱۳۹۷ (حدود ۳۶ سال قبل) برمی گشت؛ گرچه اصل بنا کهن‌تر می نمود و به دوره عثمانی مربوط می شد. در گوشه این زیارتگاه هم جایی سکو مانند از سنگ مرمر به چشم می خورد که طبق نوشته منصوب بر دیوار، محل غسل دادن پیکر حضرت سلمان توسط امیر مؤمنان (علیه السلام) بوده است. در سال ۳۵ هجری، حضرت علی (علیه السلام) پس از وفات سلمان در مدائن، با طی الأرض، از مدینه به مدائن آمد و جنازه سلمان را طبق آیین خاصی به خاک سپرد. حدیث معروف نبوی «سلمان منا اهل البیت» که متواتر نقل شده، نشانه جلالت شأن این صحابی بافضیلت و پارساست، و برای ایرانیان هم افتخار است که مردی از این قوم، به چنان رتبه‌ای در علم و ایمان و تقوا رسیده است.

ساختمان مرقدهایی که زیارت کردیم از آجر بود و چهار گنبد آجری آمیخته به کاشی نیز دیده می‌شد. ابتدا قبر مطهر سلمان را زیارت کردیم که ضریحی کوچک داشت و با خط درشت، عنوان «صحابی سلمان المحدثی» به چشم می‌خورد.

گچ‌بری‌های دیوار و سقف زیر گنبد سلمان که به سبک معماری مغرب (مراکش) بود، به سال ۱۳۹۷ (حدود ۳۶ سال قبل) برمی گشت؛ گرچه اصل بنا کهن‌تر می نمود و به دوره عثمانی مربوط می شد. در گوشه این زیارتگاه هم جایی سکو مانند از سنگ مرمر به چشم می خورد که طبق نوشته منصوب بر دیوار، محل غسل دادن پیکر حضرت سلمان توسط امیر مؤمنان (علیه السلام) بوده است. در سال ۳۵ هجری، حضرت علی (علیه السلام) پس از وفات سلمان در مدائن، با طی الأرض، از مدینه به مدائن آمد و جنازه سلمان را طبق آیین خاصی به خاک سپرد.

حذیفه هم طبق نقل‌ها در آن زمان در مدائن بود و پیش از سلمان، ولایت آن‌جا را بر عهده داشت و در سال ۳۶ هجری درگذشت.

پس از زیارت قبور این بزرگان، ما را برای صرف ناهار به محوطه‌ای پشت بارگاه دعوت کردند. سر میز غذا هم صحبت‌های مختلفی انجام گرفت. با مردی سنی مذهب آشنای مان کردند که به عشق سلمان، منزل خود را که در طرح توسعه حرم سلمان قرار داشته، به این آستان اهدا کرده است. تولیت حرم (ابو زهراء) از طرح‌ها و برنامه‌های خود می‌گفت. درباره سابقه‌اش هم می‌گفت: من قبلاً سنی بودم، ولی در حادثه‌ای، با شنیدن مطالبی که می‌گویند بعضی به پیامبر خدا ﷺ جسارت کرده و به آن حضرت، هنگامی که کاغذ و قلم خواسته تا چیزی بنویسد، حرف‌های نادرستی زدند، به تحقیق و مطالعه پرداختم و در نهایت «مستبصر» شدم. وی تعدادی از فامیل خود را هم به مذهب اهل بیت وارد کرده بود و در برنامه‌ای هم جمعی از اهل سنت این منطقه را به ایران و زیارت حضرت رضا (ع) آورده که به تعبیر خودش نقش به‌سزایی در تغییر دیدگاه آنان نسبت به ایران و انقلاب داشته است.



او زمینه رشد و گسترش تشیع را در این منطقه مناسب می‌دانست و امیدوار بود که گرایش به خط اهل بیت با محوریت حضرت سلمان و حرم او در این منطقه افزایش یابد. می‌گفت که در مدائن حدود ۳۰ درصد شیعه و بقیه اهل سنت‌اند و این نسبت را در حال تغییر به سود پیروان اهل بیت تحلیل می‌کرد.

آنان مکرر کلمه «سلمان پاک» را بر زبان می‌آوردند. توضیح دادم که درستش «سلمان پاک» است و نام کتابی است که از فرانسه به فارسی ترجمه شده و نوشته یکی از مستشرقان معروف فرانسوی است.

همچنین می‌گفتند قصد داریم سال آینده دو کنگره برای سلمان برگزار کنیم؛ یکی در مدائن و بعدی در ایران، و جویای آثار و تألیفات و تحقیقاتی بود که در مورد حیات و سیره و شخصیت او نوشته شده باشد. وقتی فهمیدند من هم اثری هرچند کوچک درباره سلمان فارسی نوشته‌ام (از مجموعه «آشنایی با اسوه‌ها») خوشحال شدند و اظهار آمادگی می‌کردند که در اختیارشان قرار گیرد و به عربی ترجمه و چاپ و توزیع کنند. آنان مکرر کلمه «سلمان پاک» را بر زبان می‌آوردند. توضیح دادم که درستش «سلمان پاک» است و نام کتابی است که از فرانسه به فارسی ترجمه شده و نوشته یکی از مستشرقان معروف فرانسوی است. دقایقی هم در دفتر تولیت نشستیم و چای خوردیم و من به نمایندگی از دوستان همراه، در دفتر یادبودها متنی کوتاه نوشته و امضا کردم.

ایوان مدائن، آینه عبرت

بارها در اشعار فارسی، این شعر خاقانی را خوانده بودم که:

هان ای دل عبرت بین! از دیده نظر کن، هان

ایوان مدائن را، آینه عبرت دان

و اینک در برابر این ایوان نیمه‌ویران و باشکوه و پندآموز ایستاده بودم.

برادران عراقی همکاری کردند و ما ماشین تا نزدیک‌ترین محل ممکن به طاق کسری که



همان ایوان مدائن است رفتیم. البته فاصله چندانی تا قبر سلمان نداشت. شهر تیسفون، پایتخت ساسانیان که از اتصال چند شهر پدید آمده بود، نزد عرب‌ها به مدائن شهرت یافته بود. کاخ باعظمت حکومت ساسانی هم در آن جا بود که طبق روایات و اسناد تاریخی، هنگام ولادت حضرت رسول ﷺ طاق کسری شکاف برداشت و کنگره‌های آن فرو ریخت و دریاچه ساوه خشک شد و آتشکده آذرگشنسب فارس خاموش گشت.

شکاف به وجود آمده در طاق کسری و ایوان مدائن، هنوز هم در بخش باقی مانده این قصر ویران و باستانی به چشم می‌خورد که عظمت واقعه را نشان می‌دهد. طاق کسری را عظیم‌ترین سقف قوسی آجری جهان می‌دانند. بلندی طاق آن ۳۰ متر، پهنای آن ۴۸ متر و طولش بیش از این و ضخامت دیوارهایش تا ۷ متر می‌رسد.

بخش ترک خورده که از ساختمان اصلی فاصله دارد، سبب شده تا آن دیوار قطور و باعظمت خم شود. پایه‌های سیمانی به ارتفاع ۲ متر که در پای این دیوار ساخته‌اند، برای جلوگیری از سست شدن و انحنای بیشتر است که چندین دهه قبل ساخته شده است. این منطقه، تحت حفاظت میراث فرهنگی است و بازدید کنندگان به صورت توریست از این بنا دیدار کرده و عکس یادگاری می‌گیرند. در فاصله چند صد متری از قصر مدائن، یک بنای آجری بلند به صورت یک دیوار عظیم و یادبود دیده می‌شد که می‌گفتند: صدام در زمان جنگ ایران و عراق آن را ساخت و می‌خواست پس از شکست دادن

شکاف به وجود آمده در طاق کسری و ایوان مدائن، هنوز هم در بخش باقی مانده این قصر ویران و باستانی به چشم می‌خورد که عظمت واقعه را نشان می‌دهد. طاق کسری را عظیم‌ترین سقف قوسی آجری جهان می‌دانند. بلندی طاق آن ۳۰ متر، پهنای آن ۴۸ متر و طولش بیش از این و ضخامت دیوارهایش تا ۷ متر می‌رسد.

در فاصله چند صد متری از قصر مدائن، یک بنای آجری بلند به صورت یک دیوار عظیم و یادبود دیده می‌شد که می‌گفتند: صدام در زمان جنگ ایران و عراق آن را ساخت و می‌خواست پس از شکست دادن ایران، خود را به عنوان سردار قادسیه دوم و فتح ایران اعلام کند و این بنای یادبود هم به یاد این فتح بزرگ باشد؛ ولی صدام رفت و این بنا ماند و پیروزی ملت ایران!

ایران، خود را به عنوان سردار قادسیه دوم و فتح ایران اعلام کند و این بنای یادبود هم به یاد این فتح بزرگ باشد؛ ولی صدام رفت و این بنا ماند و پیروزی ملت ایران! می‌گویند وقتی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر مدائن گذر کرد و آثار کاخ ویران کسری را دید، در پاسخ یکی از همراهان که شعری عبرت‌آموز درباره گذشتگان خواند (جرت الرّیاح علی رسوم دیارهم...) فرمود: چرا قرآن نمی‌خوانی؟ آن‌جا که می‌فرماید: ﴿کَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عِیْنٍ...﴾؛ چه بسیار باغ‌ها و چشمه‌ها و زراعت‌ها و کاخ‌ها و نعمت‌ها را بر جای گذاشتند و به قوم دیگر رسید... سپس حضرت توصیه به سپاس نعمت‌ها و حذر از غرور و غفلت فرمودند.

باشد که دیدار «آثار»، برای ما «آینه» باشد؛ هم برای عبرت و پند، هم برای معرفت «صاحبان آثار».

درود بر سلمان، آن صحابی جلیل‌القدر، که شوق زیارت مرقدش ما را به مدائن کشاند و فاصله حدوداً ۱۸۰ کیلومتری کربلا تا مدائن را پیمودیم و از دیدار حرمش لذت بردیم.

